



نصراله مختار
(۱۳۲۱-۱۳۹۴)

در سوگ

نصراله مختار



عباسعلی دهدشتی نژاد

نصراله (ایرج) مختار از پایه‌گذاران انجمن حسابداران خبره ایران و از پیش‌کسوتان حسابداری حرفه‌ای ایران اخیراً درگذشت. به مناسبت درگذشت وی عصر چهارشنبه هشتم اردیبهشت‌ماه در دانشگاه خاتم در تهران بزرگداشتی به یاد وی برگزار شد. در این مراسم، برخی همکاران و پیش‌کسوتان حرفه و نیز دیگر دوستان وی، از جمله آقایان عباسعلی دهدشتی نژاد، صادق سمیعی (مدیر انتشارات کتابسرا)، نظام‌الدین ملک‌آرایی، هوشنگ خستوئی، عباس هشی، و جمعی دیگر از اهل حرفه در سخنانی برخی خدمات ایشان را برای حرفه‌ی حسابرسی در ایران و نیز دیگر عرصه‌های فعالیت‌های ایشان برشمردند. متن سخنرانی آقای عباسعلی دهدشتی نژاد از همکاران نزدیک آن مرحوم در شرح زندگی و افکار نصراله (ایرج) مختار را با هم می‌خوانیم.

زمانی که آقای نصراله مختار به کلاس اول دبستان می‌رود معلم کلاس حاضر و غایب می‌کند و اسم آقای مختار را نمی‌خواند. بعد سؤال می‌کند که اسم کسی هست که نخوانده باشم؟ آقای مختار دست بلند می‌کند معلم می‌پرسد اسمت چیست؟ می‌گوید نصراله رستمیان، معلم می‌گوید اسمت اینجا نیست. آقای مختار به دفتر مراجعه می‌کند، مدیر مدرسه کنترل می‌کند و می‌گوید اسم شما را ننوشته‌اند. آقای مختار ناراحت و گریان به منزل می‌رود و به مادر شکایت می‌کند که چرا اسم مرا ننوشته‌اید. مادر به مدرسه مراجعه می‌کند و پس از دیدن شناسنامه متوجه می‌شوند که اسم آقای مختار نصراله مختار ثبت شده و نه نصراله رستمیان.

جریان این بوده که هنگام اخذ شناسنامه، مأمور صدور شناسنامه آمار و ثبت احوال پدر آقای مختار را به نام یداله مختار می‌شناخته و خودش سؤال می‌کند اسم بچه چیست پدر می‌گوید نصراله و ایشان خودش فامیل را مختار می‌نویسد. البته بعداً آقای مختار می‌خواست تغییر فامیل دهد، لیکن چون از بچگی با ادبیات آشنایی داشت و تخلص مختار را برگزیده بود، از تغییر نام منصرف شد.

ایشان پس از اتمام دبستان به دبیرستان ادب رفت و این دوره از زندگی ایشان سرشار از فعالیت‌های اجتماعی و ادبی بوده، در انجمن‌های مختلف ادبی شرکت کرده و اشعاری نیز سروده است.

بنده از آقای رضا رستمیان برادر کوچک ایشان سؤال کردم که آیا شما از آن دوران کتابچه و یا مقالاتی دارید؟ ایشان گفتند چندین کتابچه از ایشان نزد

رفت آن عزیز و داغ صدافسوس
بر دل داغدار مالک‌دشت
ما سپس ماندگان قافله‌ایم
اوبه منزل رسید و بارک‌دشت
در جوانی کنار هم بودیم
حون جوانی، مرگ‌انگ‌دشت
گل سرخی بر آن مزارک‌دشت

آقای نصراله مختار ملقب به ایرج در تاریخ سوم مهرماه ۱۳۲۱ در اصفهان از پدری به نام یداله رستمیان به دنیا آمد. لازم است به اتفاقی ساده که ممکن است در سرنوشت ایشان تأثیر گذار بوده اشاره کنم. نام خانوادگی پدر ایشان رستمیان بوده و طبعاً نام خانوادگی فرزندان ایشان نیز بایستی رستمیان باشد لیکن فامیل فرزند سوم ایشان مختار شده است. ماقوم بدین صورت بوده که نام پدر بزرگ آقای مختار، مختار بوده و برحسب عادات مردمان قدیم که اسامی افراد را با اسم پدر ادغام می‌کردند پدر آقای مختار را یداله مختار (یعنی یداله پسر مختار) صدا می‌زدند.

من است. خواهش کردم اگر ممکن است کتابچه‌ها را به صورت امانت برای استفاده و نقل یکی از اشعار و یا مقالات برای امروز در اختیار من بگذارند. ایشان هم لطف کردند و یکی از کتابچه‌ها را که اسمش «سمن» است در اختیار من قرار دادند که از این بابت از ایشان تشکر و سپاسگزاری می‌کنم. این کتابچه حاوی اشعار بسیاری از سعدی و حافظ و دیگران و حدود ۱۵ صفحه در مورد بوف کور صادق هدایت، طرز نامه‌نگاری و غیره بود. بی‌مناسبت ندانستم که چند بیت از یکی از اشعار سعدی تحت عنوان «دو موعظه» را از دفترچه‌ی ایشان به منظور ارائه در بزرگداشت‌شان انتخاب نمایم.

روزی که زیر خاک تن مانمان شود

و آن‌ها که کرده ایم یکایک عیان شود

یار ببه فضل خویش بخشای بنده را

آن دم که عازم سفر آن جهان شود

پچاره آدمی که اگر خود هزار سال

مهمت باید از اجل و کامران شود

بهم عاقبت که نوبت رفتن بدورد

با صد هزار حسرت از آن جا روان شود

یاران و دوستان همه در فکر عاقبت

که احوال بر چگونگی و حال از چه سان شود

ایشان در سال ۱۳۳۹ از دبیرستان ادب اصفهان موفق به اخذ دیپلم می‌شود. در کنکور دانشکده‌ی کشاورزی کرج شرکت می‌کند و رتبه‌ی اول کنکور را اخذ و وارد دانشکده مذکور می‌شود. پس از چندی وزارت دارایی اعلام می‌کند که تعدادی دانشجو را به منظور حسابدار خبره (Chartered Accountants) شدن به انگلستان اعزام می‌کند. ایشان در امتحان و مصاحبه‌ی مربوطه قبول می‌شود و جمعاً هشت نفر به اسامی آقایان ژوزف توانا، علیرضا سپه‌پور، اکبر انصاری، احمد ضیاء احمدی، جواد غروی، ابوالقاسم مرآتی، فرزین طباطبایی و نصراله مختار عازم لندن می‌شوند.

ایشان پس از طی دوره‌های مقدماتی به کارآموزی در مؤسسه‌ی بین‌المللی «کوپرز اند لیراند» که یکی از بزرگ‌ترین مؤسسات حسابرسی آن زمان بوده مشغول کارآموزی می‌شود و پس از موفقیت در امتحانات Institute Chartered Accountants In England And Wels و اخذ رتبه‌ی CA از مؤسسه‌ی یادشده در سال ۱۳۴۷ و زودتر از بقیه به ایران مراجعت می‌نند. در آن زمان آقای جمشید آموزگار وزیر دارایی بود و ایشان بنا به تعهدی که در قبال تحصیل به انگلستان داده بود، به وزارت

دارایی مراجعه می‌نماید و به عنوان کارشناس مالی مشغول به کار می‌شود. در سال ۱۳۴۹ به‌عنوان عضو هیئت عامل و معاون سازمان بنادر و کشتیرانی منصوب می‌شود و تا مرداد ۱۳۵۰ در این سمت خدمت می‌کند. وی در فروردین ۱۳۵۱ با خرید تعهد خود از وزارت دارایی جدا و به‌عنوان شریک به مؤسسه‌ی «وینی مری اند کمپانی» که در آن زمان یکی از مؤسسات حسابرسی بین‌المللی بزرگ بود ملحق می‌شود. نظر به این که آقای مختار شخصی متعهد به حرفه‌ی حسابداری و حسابرسی بود در دوم اسفند ۱۳۵۱ به همراه ۳۳ نفر از یاران خود به تشکیل انجمن حسابداران خبره ایران اقدام می‌کند. ایشان در انجمن بسیار فعال بود و مشارکت ارزشمند ایشان در شناساندن و اعتلای حرفه‌ی پویای حسابرسی قابل تقدیر و ماندگار است.

ایشان در این سال‌ها به تدریس در دانشکده‌های علوم اداری و علوم تربیتی دانشگاه تهران، دانشگاه حسابداری، دانشگاه الزهراء، مؤسسه‌ی علوم بانکی و آموزشگاه عالی وزارت دارایی اقدام می‌کند.

علاوه بر آن، ایشان تألیفات بسیار در نشریات حسابداری و مرتبط داشته و کتاب «حسابرسی» نامبرده هنوز در دوره‌ی فوق لیسانس تدریس می‌شود. آقای مختار نویسنده‌ای توانا و اهل دل بود، سال‌ها زحمت کشید که کتاب شعر ایران را به ترجمه‌ی انگلیسی تدوین کند که اثر ایشان را انتشارات کتابسرا به مدیریت آقای صادق سمعی منتشر کردند.

نصراله مختار شریک ارشد ایرانی مؤسسه‌ی بین‌المللی وینی مری و عضو کمیته‌ی فنی مؤسسه‌ی مزبور بود. ایشان در بهمن ماه ۱۳۵۶ به اتفاق دو نفر از همکاران صمیمی و قدیمی خود مؤسسه‌ی حسابرسی مختار و همکاران را به‌عنوان یک مؤسسه‌ی حسابرسی بین‌المللی ایرانی بنیان نهاد. از سال مذکور تا سال ۱۳۸۰ مؤسسه‌ی خدمات حسابرسی و حسابداری طرح و تنظیم سیستم‌ها و مشاوره‌ی مالی و مالیاتی به مشتریان ارائه کرده است. آقای نصراله مختار که متأسفانه به بیماری پارکینسون مبتلا شده بود، در سال ۱۳۸۰ به‌عنوان حسابدار رسمی عضو جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران شناخته شد و از آن تاریخ تا کنون به علت حاد شدن عوارض بیماری قادر به مسافرت به ایران نبود، سرانجام ایشان در هشتم دی ماه ۱۳۹۴ به دیار حق شتافت.

ای مهربان تر از برگ در بوسه‌های باران

بیداری ستاره در چشم جویباران

گفتی به روزگاران مهری نشسته گفتم

بیرون نمی‌توان کرد حتی به روزگاران

این نغمه‌ی محبت بعد از من و تو ماند

تا در زمان باقی است آواز با و باران